

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال ششم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۳

صص ۶۱ - ۷۷

تحلیل مردم‌شناختی جلوه‌های فرهنگ عامه در منظومه

نخست حیدربابایه سلام در مقایسه با بخش دوم آن

آرش مسلمی^۱

دکتر مظفرالدین شهبازی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۱۵

چکیده

تحقیق حاضر در راستای پاسخ به این پرسش اساسی است که «تغییرات درون‌مایه و جوهر اجتماعی فرهنگی، متن و محتوی بخش نخست منظومه حیدربابایه سلام در مقایسه با بخش دوم آن چگونه است؟» تحقیق حاضر از نوع مطالعات ناهمزمان یا تاریخی است که با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی و تحلیل محتوی به مقایسه بخش نخست و دوم منظومه حیدربابایه سلام از دیدگاه مردم‌شناسی می‌پردازد. در این مقاله جلوه‌های فرهنگ عامه در منظومه نخست حیدربابایه سلام در مقایسه با بخش دوم آن، از دید مردم‌شناختی مورد تحلیل قرار گرفته است. رویکردهای نظری استفاده شده در این تحقیق نظریات ترنر از انسان‌شناسی نمادین و تفسیری و رویکرد شخصیتی فروید می‌باشد.

به طور کلی محتوی بخش نخست منظومه حیدربابایه سلام، فضایی نوستالژیک است؛ که در نتیجه دوری چندین ساله شاعر از زادگاه اصلی خود شکل گرفته است. در منظومه نخست در تصاویری که شاعر ارائه می‌دهد شور و حال دوران کودکی و جنب و جوش آن دوران به وضوح نمایان است، حال آن‌که از بند ۴۵ منظومه نخست حیدربابایه سلام، شعر رنگ و بوی پیری و نصیحت‌گونه به خود می‌گیرد که این حالت در منظومه دوم حیدربابایه سلام بیشتر خود را نشان می‌دهد، هم‌چنین عناصر فرهنگ عامه در منظومه نخست حیدربابا بسیار غنی‌تر و پر بارتر از منظومه دوم می‌باشد. اعتراض و شکایت شاعر در منظومه نخست حیدربابایه سلام بیشتر از پیری و مرگ انسان‌ها بوده حال آن‌که در منظومه دوم حیدربابایه سلام این اعتراض شاعر به تجددگرایی و به تبع آن تغییر در هنجارها و ارزش‌های حاکم آن می‌باشد. در این

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران- ایران.

E-mail: moslemi.arash@gmail.com

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران- ایران.

مقاله چگونگی تغییرات در ارزش‌ها و هنجارها در دو منظومه‌ی نخست و دوم حیدربابایه سلام به طور ویژه با فرایند چهار مرحله‌ای درام اجتماعی ترنر بررسی شده است. **واژگان کلیدی:** فرهنگ عامه، نوستالژی، مدرنیته، درام اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارها.

مقدمه

معروف‌ترین اثر ترکی استاد شهریار، منظومه "حیدربابایه سلام" می‌باشد. این منظومه به خواهش‌مادر شهریار انجام گرفت. نام‌گذاری این منظومه به نام "حیدربابایه سلام" به پیشنهاد «رخساره خانم» دختر-خاله‌ی پدر استاد شهریار بوده و استاد شهریار از «رخساره خانم» در بند ۶۳ حیدربابایه سلام نام برده و هنرمندی او را ستوده است.

منظومه‌ی حیدربابایه سلام در تهران به یاد روزهای خوش دوران کودکی در ۷۶ بند سروده شده است. به محض انتشار اول در سال ۱۳۳۲ش مورد استقبال شایان مردم و هنرمندان و ادیبان قرار گرفت. استقبال جهانی از این منظومه، موجب دعوت استاد شهریار در سال ۱۳۴۳ به روستای زادگاهش در دامنه کوه حیدربابا شد و این دیدار نیز منجر به سرودن حیدربابایه دوم در ۴۹ بند گردید و در مجموع، منظومه «حیدربابایه سلام» با ۱۲۵ بند و در نهایت با ۱۲۷ بند تبدیل به یک اثر ادبی تاثیرگذار و ماندگار شد که مورد توجه مردم آذربایجان و سایر مناطق و دیگر مراکز ادبی-فرهنگی داخلی و خارجی قرار گرفت. این شعر را می‌توان یک «شعر آیین»^۱ در نظر گرفت که مظهر و تجلی‌گاه احساسات، آرمان‌ها و باور داشت‌های یک قوم و یا یک ملت است. این شعر توانسته به صورت شعر آیین در آمده و کهن‌الگویی^۲ از تمام مردم ایران به طو اعم و مردم ترک زبان به طور اخص گردد. شعر شهریار کهن‌الگویی در قالب شعر از رسومات و «فرهنگ عامه» مردم خشکتاب ارائه داده است لیکن بررسی منظومه حیدربابایه سلام ما را در راستای بررسی مردم‌شناختی روستای خشکتاب یاری می‌رساند.

همواره در بررسی متون باید چند نکته را در نظر گرفت، دو نکته که در این مقاله سعی در رعایت آن شده، توجه به فرایند فهم‌پذیری متون از مجرای تاریخ و بررسی حالات روانی شاعر می‌باشد. همواره باید مفسران و تحلیل‌گران این نکته را در نظر بگیرند که افق‌های تاریخی پدید آوردندگان متون ادبی و افق تاریخی مفسران و تحلیل‌گران متفاوت است زیرا که تجربه و زبان‌های آن‌ها مشترک نیست بنابراین نگاهی زیرچشمی به تاریخ درتفسیر و تحلیل متون ادبی ما را یاری می‌رساند. ازطرفی دیگر بررسی حالات روانی شاعر باعث کنار زدن پرده‌های رمانتیک و عصبیت‌های شاعر از متن ادبی‌اش شده و ما را در ارائه تحلیلی واقع‌گرایانه از مردم، فرهنگ و آداب و رسوم توصیف متن یاری می‌رساند.

¹. Culd Poem

². Archeotype

بنابراین در این تحقیق از نظریه مکانیسم دفاعی فروید نیز استفاده گردیده است تا بادرک ابعاد رمانتیک و نوستالژی گونه‌ی اثر حیدر بابایه سلام بتوان تحلیل‌ی واقع‌گرایانه از مردم روستای خشک‌ناب به دست آورد. در این پژوهش از نظریه چهار مرحله‌ای درام اجتماعی ترنر نیز استفاده شده است. شهریار منظومه نخست‌خویش را قبل از ملاقات روستای خشک‌ناب و با رسوبات ذهنی‌ای که در کودکی از روستای خشک‌ناب برای او تصویر گشته، نوشته است. منظومه دوم نیز بعد از ملاقات روستا در میانسالی وی به رشته تحریر در آمده است. همین انقطاع زمانی باعث گشته شهریار شکاف‌های به وجود آمده در روستای خشک‌ناب را به خوبی درک کند. اصلاحات ارضی و ظهور برخی از مظاهر نوگرایی، رادیو، تلویزیون و ... باعث تغییر در روابط اجتماعی - اقتصادی مردم روستای خشک‌ناب شده بود.

مناسک، نماد و درام اجتماعی از نظر ترنر

ترنر^۱ مناسک را چنین تعریف کرد: رفتارهای تشریفاتی معینی برای موقعیت‌های ویژه (مراسم و جشن‌ها) که به عقاید، قدرت‌ها و موجودات اسطوره‌ای ارجاع داده می‌شوند، اما جریان‌های عادی فنی زندگی روزمره را در بر نمی‌گیرند (دفلم، ۱۹۹۱).

ترنر مناسک را شامل اعمال، موضوعات، رخدادهای و ارتباطاتی می‌داند که دارای مرزهای مبهم و نامشهودند و غالباً از طریق سنت شفاهی انتقال داده می‌شوند. اکثر این نظام‌های مناسکی بر چارچوب اسطوره‌ای و دینی استوارند که زمینه‌های مناسبی برای تفسیرند. ترنر مناسک را وابسته به نماد می‌داند که از طریق نمادها معانی خود را انتقال می‌دهند. وی در تعریف نماد می‌گوید: «کوچک‌ترین واحد مناسک نمادها هستند که ویژگی‌های مخصوص رفتار مناسکی را در اختیار دارند». نمادها یک واحد حافظه یا ذخیره - سازیند که حاوی اطلاعات فراوان و معنی‌دارند که با ارزش حیاتی جامعه سر و کار دارند، یعنی نمادها، مناسک و اعتقادات دینی اساساً وابسته به هم و با یکدیگر در ارتباطند این نمادها می‌توانند شامل اشیاء، فعالیت‌ها، واژه، و ایما و اشاره‌ها یا واحدهای مکانی باشند (دفلم، ۱۹۹۱). به علاوه مناسک دارای مبنای اسطوره‌ای و وابسته به قدرت‌های فوق طبیعی‌اند. انجام مناسک با استفاده از نمادهای دینی بیان می‌شود و کارکردهای خاصی دارند.

به نظر او مناسک بخشی از فرایند در حال تکوین درام اجتماعی^۲ است که کارکرد اصلی آن سهمیم بودن در توازن و تعادل تضادهای اجتماعی است. بنابراین، چندمعنایی نمادها سبب پیوند میان نظم اجتماعی و نیازهای عاطفی و هیجانی افراد می‌شوند. ایده درام اجتماعی ترنر فرایندی چهار مرحله‌ای برای توجه به آن سطوح زیرین و فرایندهای تنظیم‌کننده اجتماعی است که در هنگام ناسازگاری‌ها تضاد پنهان ساختار اجتماعی را نشان می‌دهد.

^۱ Victor V. Turner

^۲ Social Drama

الف) ایجاد شکاف در نظم و ارتباطات اجتماعی میان اشخاص یا گروه‌های یک واحد اجتماعی.
ب) ایجاد بحران یا افزایش و گسترش گسست در نظم اجتماعی، در صورتی که تضاد به سرعت از بین نرود.

ج) ساز و کارهای سازگاری و جبران در محدود کردن گسترش بحران که می‌تواند به دست‌انگیزی که رهبری جامعه یا گروه را برعهده دارند صورت‌گیرد. این مرحله می‌تواند از طریق مشورت‌ها یا میانجی‌گری‌های غیررسمی یا داوری و قضاوت‌های دستگاه حقوقی صورت‌گیرد.
د) پیوند مجدد گروه‌های اجتماعی آشفته یا به رسمیت شناختن تضاد و گسست جبران‌ناپذیر (دفلم، ۱۹۹۱).

در این میان، مرحله‌ی پیوند بیشتر مورد توجه ترنر بود، زیرا تشابهاتی میان ژانرهای آزاد هنری و نمایش جوامع مدرن با مناسک اسطوره‌ای قدیمی جوامع قبیله‌ای و روستایی وجود دارد. عامل دیگر مورد نظر ترنر مفهوم کومونیتاس^۱ بود که نسبت به تحلیل‌های ساختارگرایی تحلیلی پویا بود. در نظر ترنر، فرهنگ فقط بازتاب ساختارهای اجتماعی نیست، بلکه فرهنگ به ساختارهای معنی‌دار و تجسم یافته در نمادها نیز قابل ارجاع است. بافت‌های معناداری که باید به صورت تفسیر مطالعه شوند. مفهوم مهم دیگر در نظریه‌ی ترنر مرحله‌ی آستانه‌ای است.

ترنر اصطلاح کومونیتاس و آستانه‌ای^۲ را برای جوامع مکانیکی با ساختار قبیله‌ای به کار می‌برد و برای جوامع مدرن و صنعتی از مفهوم شبه آستانه^۳ استفاده می‌کند.

به طور کلی می‌توان گفت که کومونیتاس ضد ساختار است، مفهومی که فقدان ساختار اجتماعی معمول یعنی نظم و ترتیب موقعیت‌ها و جایگاه‌ها را نشان می‌دهد. کومونیتاس در مرحله آستانه‌ای یک موقعیت بینابینی و برابری را ترسیم می‌کند، موقعیتی که در آن سوژه‌های مناسکی در طی یک دوره انزوا و جدایی جایگاهی بین مرزهای در میان سایر موقعیت‌ها دارند، در واقع نه از زمینه قبلی گسیخته شده‌اند و نه وارد مرحله جدیدتر شده‌اند.

در «فرایند مناسک» کومونیتاس و ساختار از ویژگی‌ها و مقتضیات یک جامعه‌اند، به طوری که میان کومونیتاس به عنوان یک اجتماع نامتمایز با شخصیت‌های برابر و ساختار به عنوان یک نظام متمایز و سلسله‌مراتبی در موقعیت‌هایی اجتماعی، یک رابطه‌ی دیالکتیک برقرار می‌گردد، رابطه‌ای که در دوره‌های تاریخی به شکل گردشی در جریان است. چنان‌که ترنر بیان می‌دارد «به حداکثر رسیدن کومونیتاس سبب تحریک به حداکثر رساندن ساختار شده و این خود کوشش‌هایی را برای ایجاد کومونیتاسی مجدد برمی‌انگیزد.»

1. Communitas

2. Liminal

3. Liminaloid

هر جامعه‌ای امکانات بالقوه برای کومونیتاس، آستانه و خود ساختاری دارد. که مردم یا جامعه در حال آستانه و گذار کانون اساسی برای تغییرات اجتماعی هستند.

ترنر آستانه‌ها را "نوعی هرج و مرج باور شده و یک مخزن احتمال برای کوشش در ایجاد ساختارهای جدید می‌داند، در مناسک معمولاً شاهد یک تطبیق گسترده از قبیل ویژگی‌های شخصیتی افراد شرکت‌کننده در مناسک و تعلیق ساختارها و قوانین اجتماعی هستیم." (دفلم، ۱۹۹۱).

فولکلور

این که تعریف فرهنگ عامه^۱ چیست موضوع بحث‌انگیزی است. هر یک از این دو واژه‌ای که در این اصطلاح به کار رفته‌اند معنایی غنی و در عین حال نامعین دارند که بسیاری از مسائل مفهومی را موجب می‌گردند. «فرهنگ عامه به طور کلی برای اشاره به رفتارها و تجربیات دست کم اقلیت‌های کثیری از مردم در هر فرهنگ ملی به کار می‌رود، رفتارها و تجربیاتی که مستلزم هیچ‌گونه قابلیت‌هایی که به لحاظ اجتماعی محدود شده باشد از نظر تحصیلات، ثروت، یا شبکه‌های اجتماعی نیست» (ریچاردز، ۱۳۹۱: ۳۰). این تجارب مشترک، تمام آداب و رسوم، عقاید، عادات، افسانه‌ها و اشعار یک قوم را در بر می‌گیرد.

نوستالژی

هرگاه فرد در ذهن خود به گذشته رجوع کند و با مرور آن دچار نوعی حالت غم و اندوه توأم با حالت سکرآور شود، دچار نوستالژی^۲ شده» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۳۹). شاعر یا نویسنده نیز در اثر عواملی چون: دوری از وطن، فقدان یکی از نزدیکان، تغییرات جامعه، پیری و ... به گذشته خود و جامعه گذشته که آن را آرمانی می‌داند رجوع می‌کند و خاطرات آن دوران را در اثرش به یاد می‌آورد. «نوستالژی با خاطره رابطه تنگاتنگی دارد؛ به عبارت دیگر یکی از ستون‌های نوستالژی یادآوری خاطرات است. البته یادآوری خاطره ما را به گذشته و تاریخ پیوند می‌دهد. داشتن خاطره برای هر فرد طبیعی است اما وقتی یادآوری خاطرات برای شخصی به حدی برسد که او را نسبت به واقعیت موجود بدبین کند شخص احساس نوستالژی و دل‌تنگی می‌کند. خاطره یادآوری گذشته است و می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد» (انوشه، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

مکانیسم دفاعی فروید

واقعیت گاه دلخراش مکانیسم‌های دفاعی^۳، استراتژی‌های ناآگاه من نفسانی برای تحریف واقعیت و کاهش اضطراب ایجاد می‌کند. بخش مورد نظر ما در این مقاله مکانیسم دفاعی از نوع بازگشت^۴ می‌باشد.

¹ Folklore

² Nostalgias

³ Defense Mechanisms

⁴ Sublimation

بازگشت به معنای سیر قهقرایی به صور ابتدایی و کودکانه رفتار جهت اجتناب از رنج یا تهدید است (هلمر، ۱۳۸۹: ۳۳۵).

ابزار و روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش تحقیق اسنادی (تاریخی) و تکنیک تحلیل محتوی استفاده شده است. لازم به توضیح است که تحقیق حاضر براساس میزان ژرفایی، با توجه به این که پدیده را در عمق مورد مطالعه قرار می‌دهد، و بار کیفی و ارزشی پدیده را باز می‌تاباند، از نوع مطالعات ژرفانگر است و بر اساس ماهیت داده‌ها، با توجه به این که در این پژوهش به توصیف فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان پرداخته شد، تحقیق کیفی است. این پژوهش مبتنی بر تحقیق اسنادی بوده و جهت انجام آن، از اسناد نوشتاری استفاده شده است. پژوهش حاضر براساس معیار زمان، با توجه به این که پدیده را در یک دوره تاریخی به کنکاش می‌کشد، از نوع تحقیقات طولی است، بر اساس معیار وسعت، با توجه به این که جامعه آماری کلی را دربر می‌گیرد و بر اسناد و مدارک یا مطالعات اسنادی متکی است، از نوع تحقیقات در سطح کلان می‌باشد و کیفی است.

براساس گردآوری داده‌ها، با توجه به این که پاسخ به مساله، مربوط به زمان گذشته است، روشی تاریخی است در این پژوهش از اسناد نوشتاری موجود در کتابخانه شهرداری تبریز از جمله کتاب حیدرآبایه سلام و مقالات و پایان‌نامه‌ها و دیگر منابع علمی معتبر و مرتبط استفاده گردید. در تحقیق حاضر، از دو روش تاریخی و پژوهش تحلیل محتوی استفاده گردید. به طور کلی، تحقیق حاضر نیز از نوع مطالعات نا-همزمان یا تاریخی است که با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی و تحلیل محتوی به مقایسه بخش نخست و دوم منظومه‌ی حیدرآبایه سلام از دیدگاه مردم‌شناسی می‌پردازد. ابزار کار فیش‌برداری است. با استفاده از یادداشت مداوم، نکات حاصل از مطالعه و مشاهده آزاد منابع مربوطه، یافته‌های مورد نظر استخراج گردید. روش جمع‌آوری اطلاعات در مکان‌های مختلف از جمله کتابخانه ملی، کتابخانه دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران، کتابخانه شهرداری تبریز، کتابخانه تربیت‌تبریز، کتابخانه علامه امینی تبریز، کتابخانه پروین اعتصامی تبریز، کتابخانه پیامبر رحمت میانه، کتابخانه ثامن‌الحجج میانه انجام گرفت. برای جمع‌آوری اطلاعات، علاوه بر هر دو منظومه حیدرآبایه سلام، از مقالات و رساله‌هایی که در این باب نوشته شده است استفاده شد.

نتایج و یافته‌ها

جدول (۱): عناصر شاخص فرهنگ مردم آذربایجان در بخش نخست منظومه حیدر بابایه سلام

بند	مصراع	متن	رده بندی
۷	۱	«حیدر بابا، ایگیت اَمک ایتیرمز»	(مثل)
۸	۳	«عاشیق رستم سازین دیلندرنده»	(هنر مردمی)
۱۱	۲	«چووشلارین گلر سسی، صداسی»	(مراسم دینی)
۱۳	۳	«آمما حئیف کور تودوغون بوراخمازا!»	(مثل)
۱۶	۵	«اوخویایدیم چوبان قیتر قوزونی»	(ترانه عامیانه)
۲۰	۱	«قاری ننه گنججه ناغیل دیتنده»	(رسم، تفریح)
۲۰	۳	«قورد گنجینین شنگولوسون بیند»	(قصه)
۲۱	۵	«آعاج مینیب، آت گزدرین گونلریم!»	(بازی محلی)
۲۵	۲	«قیز-گلینلر، حنا-پیلته ساتاندا»	(رسم، آئین)
۲۷	۲	«آدأخلی قیز، بی جورابون توخوردی»	(رسم)
۲۷	۳	«هر کس شالین بیر باجدان سوخوردی»	(رسم)
۲۹	۳	«گلینلرین دوزمه لری، طاخچاسی»	(هنر عامیانه)
۳۰	۱	«بایرام اولوب، قیزیل پالچیق آزرلر»	(رسم)
۳۰	۲	«ناققیش ووروب، اوتاقلاری بزرلر»	(رسم)
۳۰	۴	«قیز-گلینین فیندیچاسی، حناسی»	(رسم، آئین)

منبع: (شهریار، ۱۳۸۶: ۴۸-۳۱)

برای نمونه در بند ۷۵، شاعر گریزی به داستان کوراوغلو که یکی از داستان‌های حماسی و بسیار معروف آذربایجان می‌باشد، زده است و منظور این است که من در بستر خواب به یاد آن داستان افتاده‌ام و تا داستان به پایان نرسد و «ایوز» پسر «کوراوغلو» سالم از جنگ برنگردد، خواب به چشم من نخواهد آمد. قیرآت نیز نام اسب کوراوغلی و به معنی اسب سیاه می‌باشد.

آرایه فوق نشان می‌دهد که حداقل در ۲۹ بند از ۷۶ بند منظومه‌ی حیدر بابایه سلام، کمینه ۳۳ مورد از مجموعه فرهنگ مردم آذربایجان - مختلف و مستقل از هم - متجلی شده است که در آن میان آداب و رسوم گوناگون با ۱۳ مورد بیشترین بسامد را به خور اختصاص داده است.

جدول (۲): عناصر شاخص فرهنگ مردم آذربایجان در بخش دوم منظومه حیدر بابایه سلام

بند	مصراع	متن	رده بندی
۲	۳ تا ۵	«یوسیفیری اوشاق ایکن ایتیردین قوجا یعقوب! ایتیمیشم ده تاپیسان قووالایب، قورد آغزیندان قاپیسان»	(افسانه)
۱۰	۱	«آهیللارین، بتمیش کفن چورودوب»	(زبانزد)

۱. فندقچه (فیندیچا)، اصطلاحی است که به معنی خضاب (حنا و گلگونه) که بر سر انگشتان تا محاذات ناخن کنند ریالسر انگشتی و سر انگشت خضاب کرده، آمده است (لغت‌نامه دهخدا).

۱	۱۴	«بو خرمنده آرادان خیر اویناردیک» (بازی)
۴	۱۴	«آغاجارون چیلیک-آغاج کسردیک» (بازی)
۴ تا ۱	۱۶	همگی «بازی» هستند.
۴	۱۹	«بیر یئل اسیر باخیرسان ممدسن یوخ» (زبانزد)
۲	۲۴	«گوروم سیزین برقیز قالسین آندیرا» (زبانزد)
۳	۲۶	«ایینه بزر خلقی، اوزو لوت گور» (چیستان و مثل)
۱	۳۷	«کیم قالدی کی بیزه بوغون بورمادی» (زبانزد)
۵	۳۹	«قیش چیخار، اوزو قارا کوموردور» (مثل)

منبع: (همان: ۳۹-۴۰)

برای نمونه در بند ۳۹، کدام مضمون می‌تواند گله دردآلود شاعر از بعضی بی‌وفایی‌ها را بهتر از این مثل بیان کند که: قیش چیخار، اوزی قره‌لیق کوموره قالار، (زمستان می‌گذرد و روسیاهی به زغال می‌ماند). آرایه فوق نیز حاکی از آن است که حداقل در ۱۰ بند از ۴۹ بند بخش دوم منظومه حیدربابایه سلام، کمینه ۱۱ مورد از مجموعه فرهنگ عامه آذربایجان - مختلف و مستقل از هم مدنظر شاعر بوده است. هر دو منظومه‌ی حیدربابای استاد شهریار، در بر دارنده آداب و رسوم و فولکلور غنی آذربایجان است که این نیز بیانگر علاقه‌ی غیر قابل وصف استاد، به آداب و رسوم و فولکلور سرزمین و زادگاه خویش است.

استاد شهریار با این که سال‌های زیادی از عمر خود را دور از زادگاه و شهر خویش سپری کرده است اما هرگز خاطرات شیرین دوران کودکی را فراموش نکرده و همین امر، جذابیت و دلنشینی خاصی به آثارش بخشیده است.

در هر دو منظومه‌ی حیدربابای استاد شهریار، ردّپایی از شوخ‌طبعی ایشان به چشم می‌خورد، همان گونه که ردّپای از اندوه، پریشانی و ناکامی‌هایشان وجود دارد. کمتر خواننده‌ای یافت می‌شود که با قرائت توأم با تعمق آثار استاد شهریار، متاثر نشود، لبخند بر لبانش ننشیند و اشک اندوه از گوشه‌ی چشمانش جاری نشود.

در بخش دوم که سال‌ها پس از بخش نخست سروده شده است، مفاهیم اجتماعی در مقیاس وسیع - تری مطرح گردیده است به گونه‌ای که ۱۴ بند از مجموع ۴۹ بند آن به طور مشخص به چنین مقولاتی اختصاص یافته است، در این بخش که رهاورد سفر شهریار به دامنه حیدربابا است، گویی که او برای نخستین بار به مشاهده واقعیت‌هایی پرداخته است که تا آن زمان هرگز ندیده بوده است. مشاهده فقر، گرسنگی و مرگی که همواره در کمین روستایی نشسته است او را به متن واقعیت‌های دردآلود اجتماعی می‌کشاند و سبب می‌شود بی‌پروا تر مناسبات استثمار و روابط بهره‌کشانه حاکم بر روستا را مورد انتقاد قرار دهد و با دید و شیوه رئالیستی به ترسیم سیمای محزون روستا و اوضاع پریشان و فلاکت بار روستاییان بپردازد.

شهریار فقر و فلاکت روستایی را نتیجه غارت و چپاول ارباب‌ها و خان‌ها می‌داند، به نفرین آن‌ها می‌پردازد و آرزوی روزی را می‌کند که آه مظلومان دامن آنان را بگیرد.

ایندی بشر آج قورد تکین اودو خوب

چمبلنی، گوزقیجر دوب دورو خوب

باخیلار کی گورسونر کیم سینخوب

توکولسونلر اونون لشین بیرتسونلار

هره بیر دیش انسه سیندن قیر تسونلار (حیدر بابایه سلام، ۱۳۶۹: ۵۲).

ترجمه:

اینک مردمان مانند گرگ گرسنه آزمند شده‌اند

چمباته زده، چشم غره گرفته، در کمین نشستند

تا بینند چه کسی درمانده و تحیف گردیده است

آنگاه هجوم آورند و لاشه او را پاره پاره کنند

و هر یک دندان‌های فرو برده و لقمه‌ای بگیرند

آداب و رسوم

جلوه‌های حیات‌معنوی هر قومی در آداب و رسوم و عقاید آن قوم نمایان می‌شود. در بازگشت نوستالژیک شهریار به دوران کودکی خویش اشاره به آداب و رسوم گذشته که چه بسا امروزه متروک شده‌اند در جای جای هر دو منظومه جریان دارد. به طور کلی می‌توان این آداب و رسوم را به دو دسته رسوم فرهنگی-اجتماعی و رسوم مذهبی و اعتقادی تقسیم کرد.

رسوم فرهنگی اجتماعی

شهریار هنگامی که بر بال خیال به کودکی خویش سفر می‌کند آیین‌نامه‌های اجتماعی نظیر: «سیب-اندازان زیر پای عروس»، «مراسم شال انداختن»، «مراسم چهارشنبه سوری»، «مراسم نوروز»، «فندقچه بستن سر انگشتان عروس»، «وسمه گذاشتن» و «ترانه خوانی‌های عاشیق‌ها» را به یاد می‌آورد (حیدر بابا، بند ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۶، ۳۷ و ۵۹).

رسوم مذهبی و اعتقادی

ترک زبانان ایران مسلمان بوده و اکثریت دارای مذهب شیعه هستند. اما هر طایفه با توجه به فرهنگ ویژه خود دارای آیین‌ها و باورهایی است که تنها منحصر به همان قوم است. شهریار، در مرور کودکی

خویش، آیین‌هایی نظیر «چاووشی خوانی» برای مسافران کربلا و مشهد، «آیین‌های عزاداری ماه محرم» و «اعلان خبر به وسیله مناجات» را به یاد می‌آورد.

حیدربابا، قره چمن جاداسی

چووشلارین گلر سسی، صداسی(حیدربابا، بند ۱۱).

ترجمه:

حیدربابا غوغای قافله و چاووشا

تو جاده قره چمن، می‌پیچه توی دنیا(فرسی، ۱۳۷۷: ۲۸).

اشخاص، اماکن و اشیای نوستالژیک

بازگشت به دوره کودکی همواره با یادآوری اشخاص و اماکنی همراه است که از آن‌ها تنها کورسوی خاطره‌ای در ذهن شاعر مانده است. در منظومه «حیدربابایه سلام»، بیش از بیست مکان خاص که برای شاعر جنبه نوستالژیک داشته ذکر شده است. (۲۱ مورد). این اشخاص در پیوند با خاطراتی هستند که شاعر از کودکی خویش به یاد می‌آورد.

شنگیل آوا یوردی، عاشیق آلماس

گاهدان گندوب، اوردا قوناق قالماسی(حیدربابا، بند ۹).

ترجمه:

قریه شنگل آباد با سببای عاشقش

گاهی به اونجا رفتن، مهمونی و خوش و بش(فرسی، ۱۳۷۷: ۲۷).

در این سروده نام‌های خاص که بار خاطرات نوستالژیک را بر دوش دارند بسامد بالایی دارد. در منظومه حیدربابا حدود پنجاه؛ بیشتر اشخاصی که در منظومه حیدربابا از آن‌ها نام برده شده از اقوام و فامیل دور و نزدیک شاعر بوده و به نوعی به خاطره و نوستالژی فردی او تعلق دارند.

غلام گیله قاشدیم، شالی سالادیم

فاطما خالا منه جوراب باغلادی

خان ننه می‌یادا سالیب، آغلادی(حیدربابا، بند ۸).

ترجمه:

واسه آویختن شال دویدم خونه غلام

برام خاله فاطمه جوراب سر شال پیچید

افتاد یاد خان ننه‌ام، گریه تو چشماش جوشید(فرسی، ۱۳۷۷: ۳۶).

اشاره به افسانه‌ها و ترانه‌های محلی

اشاره به قصه‌های عامیانه، موسیقی و ترانه‌های محلی از دیگر مختصات دو منظومه یاد شده است. این قصه‌ها و ترانه‌ها در واقع بازتاب زندگی مردم این اقوام است و «توده‌های مردم» از دیرباز در آن زیسته‌اند، اندیشیده‌اند، خندیده‌اند، گریسته‌اند، شکست خورده‌اند، پیروز شده‌اند، نیایش کرده‌اند، ترسیده‌اند، عاصی شده‌اند، و سپس در همان دنیای حیرت‌انگیز مرده و به خاک سپرده شده‌اند» (پناهی، ۱۳۷۳: ۵۰). به عنوان نمونه در منظومه حیدربابا به «ترانه چوپان»، «قصه سنگول و منگول» (حیدربابا، بند ۱۶ و ۲۳). می‌توان اشاره کرد.

بیر گئیدیم داغ- دره لر اوزونی / او خویئیدیم: «چوپان، قیتر قوزونی» (حیدربابا، بند ۱۶). ترجمه: تپه و ماهور تو یه بار دیگه طی کنم / «چوپون گله رو وادار» بخونم و هی کنم (فرسی). بررسی متون ادبی کمک شایانی در راستای مردم‌شناسی می‌کند که باید حالات روانی شاعر و ادیب را نیز در نظر گرفت و هم‌چنین این نکته را باید در نظر گرفت که فهم‌مندی متون از مجرای تاریخ میسر است در غیر این صورت پژوهش ما ابتر خواهد بود.

منظومه حیدربابایه سلام در تهران به یاد روزهای خوش دوران کودکی در ۷۶ بند سروده شده است. به محض انتشار اول در سال ۱۳۳۲ مورد استقبال شایان مردم، هنرمندان و ادیبان قرار گرفت. استقبال جهانی از این منظومه، موجب دعوت استاد شه‌ریار در سال ۱۳۴۳ به روستای زادگاهش در دامنه کوه حیدربابا شد و این دیدار نیز منجر به سرودن حیدربابایه دوم در ۴۹ بند گردید و در مجموع، منظومه «حیدربابایه سلام» با ۱۲۵ بند و در نهایت با ۱۲۷ بند تبدیل به یک اثر ادبی تأثیرگذار و ماندگار شد که مورد توجه مردم آذربایجان و سایر مناطق و دیگر مراکز ادبی- فرهنگی داخلی و خارجی قرار گرفت. ناملایمتی‌هایی که شه‌ریار عاشق‌پیشه و با احساس را در تهران می‌رنجانند باعث سرایش منظومه نخست حیدربابا شد چرا که روی آوردن شاعر به نوستالژی‌ها معمولاً خبر از رنجی می‌دهد که شاعر می‌خواهد با سیری در گذشته آن را تقلیل دهد. خاطرات فردی اندوخته‌های ذهنی هستند که در ناخودآگاه شخصی آدمی جای دارند و فرد با یادآوری این خاطرات خوشایند یا ناخوشایند دچار دل‌تنگی یا به اصطلاح احساس نوستالژیک می‌شود. فروید این یادآوری یا بازگشت را نوعی مکانیسم دفاعی انسان در برابر شرایط غیرقابل قبول کنونی می‌داند: «بازگشت، مکانیسم دفاعی دیگری است که در آن فرد به رفتار یا مرحله‌قبلی باز می‌گردد که در آن احساس امنیت و راحتی بیشتری می‌کند» (اسنودن، ۱۳۹۱: ۱۵۵). هنرمندان این بازگشت نوستالژیک را از طریق بازتاب آن در آثار خویش محقق می‌کنند: «خاطره و یاد کلیه حوادث گذشته که در زندگی ادبا پیش‌آمده به شکل بارز در آثار آن‌ها منعکس شده است. برخی از این پیش‌آمدها به گونه‌ای است که شاعر تماماً در فضای آن زمان به سر می‌برد» (شریفیان، ۱۳۸۶: ۵).

این حالت نوستالژی گونه در منظومه دوم حیدربابا نیز ادامه می‌یابد ولی حالت تراژیک به خود می‌گیرد. شه‌ریار که منظومه دوم را ۱۵ سال بعد از ملاقاتی که از روستای خشک‌ناب داشت سروده است این ملاقات

تاثیری شگرف در وی داشت. آن رسوبات ذهنیتی که در دوران کودکی درحافظه شهریار به جای مانده بود با ملاقاتش از روستای خشکناپ در هم می‌ریزد(حیدربابا، بند ۱۱۲).

آزردگی از پیامدهای تمدن

تمدن جدید و پیامدهای آن از منظر رمانتیسم نابودکننده اصالت‌های بشری است. «روسو معتقد است که فساد از تمدن ناشی می‌شود مخصوصاً از مالکیت زمین و دیگر دارایی‌ها؛ زیرا این وضعیت موجب بی‌عدالتی و عدم مساوات می‌شود و در نتیجه انسان‌ها را دچار حسرت و فساد و انحراف می‌کند. راه علاج و چاره‌ای که روسو پیشنهاد می‌کند بازگشت به آن چیزی است که حالت اجتماعی اولیه می‌نامد.» (فورست، ۱۳۹۲: ۵۴). از این رو رمانتیسم با نكوهش مظاهر تمدن جدید که انسان را از حالت نجابت بدوی خارج کرده است می‌کوشد «به سوی افسانه‌ها و ترانه‌های کهن متوجه شود. قرون وسطی با اشعار غنایی خود، با مجالس عیش و قصرهای مرموز، نظر هنرمندان رمانتیک را جلب می‌کند» (سیدحسینی، ۱۳۹۱: ۱۸۵). در منظومه حیدربابا، حسرت این بهشت از دست رفته و پایمال شده به دست تمدن دوزخی جدید را به کرات ملاحظه می‌کنیم. در این سروده شاعر پس از گذر دوره کودکی و جوانی به نقد مظاهر مدنیت جدید می‌پردازد. شاعر پس از یادکردن صفا و صمیمیت و پیوندهای گذشته به خاطر رخت بر بستن مروت و محبت ناله سر می‌کند، از این که دروغ و تزویر جای راستی را گرفته گلایه می‌کند. شهریار، از تمدن جدید با عنوان «تمدن دروغین» یاد کرده، آن را دروغین دانسته و نفرین می‌کند. وی معتقد است این تمدن محبت را از دل‌ها برده، به جای کمک به انسان، کشتار به راه انداخته و موجب شده است دنیای بهشتی‌گونه قدیم به جهنم تبدیل شود. اما انسان متمدن امروزی چون کور شده، متوجه کردار خود نیست (حیدربابا، بند ۱۱، ۱۲ و ۱۳).

شعر شهریار آیین‌زندگی وی و جامعه‌ی روستایی خشکناپ از کودکی تا پیری است. چهل و چهار بند اول بخش نخست منظومه حیدربابا به سلام، بیانگر جامعه‌ای است که شهریار در کودکی آن را تجربه کرده است. جامعه‌ساخت سنتی خود را دارد و هنوز در جامعه به دلیل ورود نوگرایی شکاف به وجود نیامده است. این جامعه ایده‌آل که مربوط به دوران کودکی وی است هنجارها و ارزش‌های آن چنان با چالش مواجه نشده است. شاعر که از پیامدهای مدرنیته دلگیر است؛ رجعت نوستالژیک به آن دوران برایش شیرین می‌باشد. از بند چهل و پنجم به بعد شکواییه‌ی شهریار آغاز می‌گردد، شکواییه‌ی او بیشتر به پیامدهای مدرنیته است البته از ساخت‌های سنتی نیز شکایت می‌کند ولی آزردگی او از پیامدهای تمدن آن چنان عمیق است که رنج‌های ساخت‌های سنتی نیز برایش شیرین می‌شود. شکواییه شهریار را در قالب‌هایی هم‌چون شکایت از فردگرایی و منفعت‌طلبی، باور به حرف‌های پوچ و انکار مذهب خود، فقر و عدم وجود

امکانات درمانی که نتیجه‌ی چپاول ارباب‌ها و خان‌ها می‌باشد، اجرت کم و ارزش نداشتن کار کشاورزان، هجوم تمدن غرب و به‌تبع آن تغییر در ارزش‌ها و فرهنگ‌ها و ... می‌توان دسته‌بندی کرد.

به‌طور کلی محتوی حیدر بابایه سلام تا بند چهل و پنجم فضایی نوستالژیک و رویایی است؛ که در نتیجه‌ی دوری چندین ساله شاعر از زادگاه اصلی خود شکل گرفته است. تا بند چهل و پنجم تصاویری که شاعر ارائه می‌دهد شور و حال دوران کودکی و جنب و جوش آن دوران به وضوح نمایان است، حال آن که از بند چهل و پنجم منظومه‌ی نخست حیدر بابایه سلام، شعر رنگ و بوی پیری و نصیحت‌گونه به خود می‌گیرد، که این حالت در منظومه‌ی دوم حیدر بابایه سلام بیشتر خود را نشان می‌دهد، هم‌چنین عناصر فرهنگ عامه در منظومه‌ی نخست حیدر بابا بسیار غنی‌تر و پربارتر از منظومه‌ی دوم می‌باشد. اعتراض و شکایت شاعر در منظومه‌ی نخست حیدر بابایه سلام بیشتر از پیری و مرگ انسان‌ها بوده حال آن که در منظومه‌ی دوم حیدر بابایه سلام این اعتراض شاعر به تجددگرایی و به‌تبع آن تغییر در هنجارها و ارزش‌های حاکم آن می‌باشد. شهریار علت وضع نابسامان روستای خشک‌ناب را که نمادی از روستاهای ایران، به خصوص روستاهای آذربایجان است را در انطباق با مظاهر دنیوی تجددگرایی مانند فردگرایی و منفعت‌طلبی می‌بیند و برای برون رفت از این حالت بحرانی، محبت، سازگاری با مردم با یکدیگر و توجه به دین را پیشنهاد می‌کند، که ناشی از وجه عرفانی و دینی شخصیت شهریار می‌باشد.

شهریار بخش دوم منظومه‌ی حیدر بابایه سلام (بند هفتاد و پنجم به بعد) را پانزده سال بعد از منظومه اول سروده است. وی بخش دوم منظومه را پس از ملاقات روستای خشک‌ناب و در دورانی از جامعه ایران سروده که تغییرات سریع بوده و اصلاحات ارضی و اقتصادی پهلوی دوم و تأثیرات رسانه‌های جمعی و تلویزیون باعث جابه‌جایی قشریندی جامعه، بافت فرهنگی و نظام ارزشی روستای خشک‌ناب شده است و بی‌شک شهریار نفوذ ویژگی‌های تجددگرایی (ترویج هنجارهای غربی) و به‌تبع آن تغییر در ارزش‌ها و فرهنگ روستای خشک‌ناب را با تمام وجود درک کرده، و دریافته است؛ که باعث شده منظومه دوم حالت دردنامه و تراژدیک به خود بگیرد.

از نظر شهریار همه‌ی انسان‌ها سرشت پاکی دارند و به منبع کائنات متصل هستند و کافی است، انسان بخواهد تا رستگار شود، هر چند که به نیروهای یاری دهنده‌ی انسان نیز معتقد است. نیروهایی که از نظر ترنر وظیفه‌ی میانجی‌گری را به عهده دارند که از طریق اجرای مناسک یا دین، وارد صحنه می‌شوند و زمینه را برای پیوند دوباره آماده می‌سازند. "جبران وقتی پیش می‌آید که تلاش‌هایی برای حل کردن دعوا یا میانجی‌گری وارد صحنه می‌شوند. در چنین وضعیتی، ممکن است یک دین نمادین یا بلاگردان سازی نیز روی دهد" (ترنر، ۱۹۸۶: ۳۵).

مناسک در روستای خشک‌ناب، که البته نمونه‌ای از روستاهای ایران و مناطق ترک‌نشین به‌طور اخص می‌باشد، سرشار از نهادها و ارجاع‌های دینی است، لذا دین نمی‌تواند از ساختار جامعه آن‌ها جدا باشد. از آن‌جا که مناسک بخشی از فرایند در حال تکوین درام اجتماعی می‌باشد که کارکرد اصلی آن سهیم بودن

در توازن و تعادل تضادهای اجتماعی است. بنابراین درام اجتماعی و رویکرد فرایند مناسک در ایجاد پیوند و شکاف و سازوکارهای حل اختلافات اجتماعی شیوه‌ای مناسب در جهت کشف فرایندهای تنظیم کننده اجتماعی و تضادهای پنهان ساختار اجتماعی جامعه مورد مطالعه است. شهریار برای برون رفت از بحران - های به وجود آمده در جامعه راه‌حلهایی را نیز ارائه می‌دهد. از نظر او محبت، باور به حق و حقانیت، صبر و تحمل، یادگیری از اتفاقات گذشته و پای بند بودن به اعتقادات مذهبی باعث حل تضادها و برون رفت از این بحران‌ها می‌شود.

ناامیدی و نگرشی دنیا

یکی از مضامین تکرارشونده در این منظومه، یاس و شکایت از تقدیری است که سرنوشت شاعر، قوش یا دنیا را رقم می‌زند. «یاس، غم و اندوه رمانتیک‌ها معمولاً زاییده توقعات تسکین ناپذیر قلبی است که درجهانی بی‌احساس گرفتار شده است و مثل دردی پنهان، پیوسته در اشعار آن‌ها طنین می‌اندازد» (اشرف زاده، ۱۳۸۱: ۲۴). شهریار تقدیر محتوم روزگار را حاکم بر امور آدمی می‌داند؛ تقدیری که هر طور بخواهد با انسان رفتار می‌کند و البته هیچ‌کس را گریزی از انتخاب‌های او نیست. چون قضا و قدرش بر تن آدمیان می‌خورد، یتیم‌کردن و داغ جوان چشاندن از کارهای معمول اوست و هیچ‌کس را یارای آن نیست تا از روزگار در قبال آن چه بر شاعر، مردمانش، و دیارش روا می‌دارد، پرسش و بازخواست کند (حیدرآباد، بند ۴۰، ۴۲ و ۵۷).

بازگشت به طبیعت

منظومه حیدرآباد سروده‌ی رمانتیک‌است. نوستالژی گذشته، شاعر را به دامان طبیعتی که در آن پرورش یافته است می‌کشاند. «توجه فراوان به طبیعت و شیوه‌های زندگی طبیعی و بدوی و به اصطلاح غیرتمدن از مشخصات فکری رمانتیسم است. رمانتیک‌ها زندگی طبیعی و ساده و غیراستثماری را می‌ستودند و البته به خود طبیعت هم احترام می‌نهادند. روسو مبلغ زندگی ساده بود و شعار معروف او "بازگشت به طبیعت" است» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۶۳). رمانتیک‌ها پیوسته در جستجوی راهی برای بازگشت به جامعه‌ای پاک و دارای حالتی طبیعی و دست نخورده بودند زیرا از تجمل زندگی شهری آزرده شده بودند و به دنبال راه گریزی بودند تا خود را از اوضاع و احوال تصنعی نجات دهند و به دنیای زنده که همان طبیعت یا اجتماع ساده ابتدایی و روستایی باشد، روی آورند. با تامل در منظومه یاد شده درمی‌یابیم که سراسر این منظومه، بازتاب بازگشت نوستالژیک شاعر به طبیعت است. این منظومه با ذکر خاطره‌ای نوستالژیک از طبیعت دیاری که شاعر در آن زیسته، آغاز می‌شود.

نتیجه‌گیری

استاد سیدمحمد حسین شهریار به عنوان یکی از مردمی‌ترین شاعران معاصر، جان کلام خود را از فولکلور غنی مردم خود گرفته است. بررسی موجود، این موضوع را در محدوده هر دو منظومه‌ی حیدر بابایه سلام نشان می‌دهد. تاثیر فولکلور آذربایجان در ذهن و زبان مردم این دیار آن‌چنان است که لاجرم شهریار را نیز به تفکر واداشته و این تامل در شعر او نمود پیدا کرده است. عناصر فولکلوریک مانند قصه‌ها و افسانه‌ها، داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، بازی‌ها، ترانه‌ها و غیره چنان در تار و پود شعر شهریار تنیده شده‌اند که تفکیک آن‌ها از شعر غیرممکن می‌نماید. یکی از رموز مقبولیت و جاودانگی شعر شهریار، بهره‌گیری او از فرهنگ مردم است زیرا وقتی مخاطب‌شعری را آینه‌ای تمام‌نما از آداب و رسوم و فولکلور خود می‌یابد، چنان با آن در می‌آمیزد که گویی خود عنصری تاریخی از فرهنگ آن‌هاست. منظومه حیدر بابا متممی نیز دارد. به واقع هر دو قطعه تجدید و تثبیت خاطرات ایام شیرین کودکی است. نهایت قطعه‌ی اول سلامی و پیامی است از دور، که با حسرت همراه است و قطعه‌ی دوم گله و درد دلی است از نزدیک و گفتگو و پرس و جویی است که در میان حیدر بابا و فرزند شاعرش می‌رود. به طور کلی محتوی بخش نخست منظومه‌ی حیدر بابایه سلام، فضایی نوستالژیک است؛ که در نتیجه‌ی دوری چندین‌ساله شاعر از زادگاه اصلی خود شکل گرفته است. در منظومه نخست در تصاویری^۱ که شاعر ارائه می‌دهد شور و حال دوران کودکی و جنب و جوش آن دوران به وضوح نمایان است، حال آن‌که از بند ۴۵ منظومه‌ی نخست حیدر بابایه سلام، شعر رنگ و بوی پیری و نصیحت‌گونه به خود می‌گیرد، که این حالت در منظومه‌ی دوم حیدر بابایه سلام بیشتر خود را نشان می‌دهد، هم‌چنین عناصر فرهنگ عامه در منظومه‌ی نخست حیدر بابا بسیار غنی‌تر و پر بارتر از منظومه‌ی دوم می‌باشد. اعتراض و شکایت شاعر در منظومه‌ی نخست حیدر بابایه سلام بیشتر از پیری و مرگ انسان‌ها بوده حال آن‌که در منظومه دوم حیدر بابایه سلام این اعتراض شاعر به تجددگرایی و به تبع آن تغییر در هنجارها و ارزش‌های حاکم آن می‌باشد. شهریار علت وضع نابسامان روستای خشک‌ناب را که نمادی از روستاهای ایران، به خصوص روستاهای آذربایجان است را در انطباق با مظاهر دنیوی تجددگرایی مانند فردگرایی و منفعت‌طلبی می‌بیند و برای برون‌رفت از این حالت بحرانی، محبت، سازگاری مردم با یکدیگر و توجه به دین را پیشنهاد می‌کند، که ناشی از وجه عرفانی و دینی شخصیت شهریار می‌باشد. با توجه به تعریفی که از سنت داشتیم می‌توان بخش نخست منظومه حیدر بابا را سنت و بخش دوم آن را تجددگرایی و کمرنگ شدن ارزش‌ها، هنجارها، همبستگی، همدلی‌ها و ... نامید.

¹ Imagination

پیشنادهای تحقیق

آثار فولکلور از پربرترین گنجینه‌ها در فرهنگ تمامی ملل جهان و متعلق به عامه مردم بوده و پیوندی عمیق با واقعیت‌های زندگی دارد و در واقع بازتاب زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم و نشان‌دهنده‌ی رفتار و منش و اندیشه‌ی افراد جامعه است. به تعبیری دیگر تاریخ، فرهنگ و جنبه‌های مختلف زندگی هر قومی را می‌توان در ادبیات آن قوم جستجو کرد. این‌گونه آثار فولکلوریک برای کشور ایران که اقوام و خرده فرهنگ‌های بسیاری را در خود جای داده از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. علی‌رغم این که احیای مباحث فولکلوریک بارها انجام شده ولی از دید مردم‌شناسی تحقیقات زیادی صورت نگرفته است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری بر روی آثار فولکلوریک کشورمان به خصوص از دید مردم‌شناسی صورت گیرد.

منابع

- احمدوند، م. (۱۳۶۸). *مکانیسم‌های دفاعی روانی*. تهران: انتشارات بامداد.
- انجوی شیرازی، س. (۱۳۷۱). *گذری و نظری بر فرهنگ مردم*. تهران: انتشارات سپراک.
- ایران دوست تبریزی، ر. (۱۳۷۸). *خانه پدری و خاطرات کودکی در اشعار لامارتین و شهریار*. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. شماره‌ی ۱۷۱.
- بختیاری، م. (۱۳۸۶). *فولکلور و ادبیات عامیانه*. ارومیه: انتشارات ادیبان.
- بهزادی، ب. (۱۳۸۴). *فرهنگ آذربایجانی - فارسی، (آذربایجانا فارسجا سوزلوک)*. تهران: انتشارات نخستین.
- ترکان، ق. (). *گامی در راستای شهریارشناسی*. تبریز: انتشارات فروغ آزادی.
- ترنر، و. (۱۳۸۱). *اسطوره و نماد. اطلاع رسانی و کتابداری، کتاب ماه هنر*. شماره‌ی ۵۱ و ۵۲، صص ۷۷-۷۰.
- ثروت، م. (۱۳۸۲). *رمانتیسیم. بیک نور*. شماره ۲.
- ثروت، م. (۱۳۷۶). *شهریار و منظومه حیدرآبایه سلام. فلسفه و کلام، شناخت*. شماره‌ی ۲۱، صص ۸۹-۱۰۰.
- حاجی ستاری، ف. (۱۳۷۸). *یوردومون دیرلی سوزلری*. تهران: انتشارات قطره.
- حرّی، ا. (۱۳۷۷). *سیری در دامنه حیدرآبایه. فصلنامه شعر*. شماره‌ی ۲۴، صص ۸۹-۱۰۰. مردم ایران، شماره‌ی ۱۰.
- دلاور، ع. (۱۳۷۴). *مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: انتشارات رشد.
- رحمانی، خ. (۱۳۹۳). *سید محمد حسین شهریار و شعر معاصر ایران*. تبریز: انتشارات ریتم.
- ریچاردز، ب. (۱۳۹۱). *روانکاوی فرهنگ عامه*. ترجمه: ح. پاینده. تهران: انتشارات ثالث. چاپ دوم.
- سفیدگر شهنقی، ح. (۱۳۸۶). *عناصر فولکلور آذربایجان در دیوان ترکی شهریار. فصلنامه فرهنگ*.
- سیبک، پ. (۱۳۸۸). *ادبیات فولکلور ایران*. ترجمه: م. اخگری. تهران: انتشارات سروش. چاپ دوم.
- شادبه، ح. (۱۳۹۳). *بازتاب فولکلور آذربایجان در منظومه‌های هذیان دل و حیدرآبایه سلام استاد شهریار. مجموعه مقالات شاهد شعر*. صص ۲۶۲-۲۴۵.
- شهریار، م. (۱۳۸۶). *کلیات اشعار ترکی شهریار*. تهران: انتشارات زرین. چاپ بیستم.

-
- صدری‌نیا، ب. (۱۳۷۱). **تاملی در مضامین محوری منظومه حیدر بابا**. نشر کلمه. شماره‌ی ۲.
- فرخ‌نیا، ح. (۱۳۹۰). آستانه‌های پیوند و شکاف اجتماعی در منطق الطیر عطار نیشابوری. **جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**. سال سوم، شماره‌ی اول صص، ۲۱۷-۱۸۹.
- فرسی، ب. (۱۳۷۷). **سلام به حیدر بابا**. تهران: انتشارات نگاه.
- کاوینپور، ا. (۱۳۸۷). **زندگی ادبی و اجتماعی استاد شه‌ریار**. تهران: انتشارات اقبال.
- مجتهدی، ع. (۱۳۸۰). **ترکی دلبنده مثلث (امثال و حکم آذربایجانی)**. تهران: انتشارات فخرآذر.
- واتسون، ه؛ و دیگری. (۱۳۷۲). **درآمدی به انسان‌شناسی**. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: انتشارات سیم‌رغ.
- هلر، ش. (۱۳۸۹). **دانشنامه‌ی فروید**. ترجمه: م، پردل. مشهد: انتشارات ترانه.

Bates, D. & Fred, p. (1990). **Cultural anthropology**. (New York: Me Graw- Hill).

Hoyby, A. S. (1995). **Oxford advanced learners dictionary**. Oxford university press.